خبر

عبدالرضا فاضل سرپرست دانشگاه علوم پزشکی گلستان شد

مراسم تودیع و معارفه رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان گلستان برگزار و عبدالرضا فاضل به عنوان سرپرست دانشگاه علوم پزشکی گلستان انتخاب شد.به گزارش خبرنگار مهر، مراسم تودیع و معافعه رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان گلستان صبح یکشنبه با حضور مسئولان استانی و کشوری در گرگان برگزار شد. در این مراسم عبدالرضا فاضل به عنوان سرپرست دانشگاه علوم پزشکی معرفی و از زحمات چند ساله تقی ریاحی تجلیل شد.

تقی ریاحی در آیین تودیع خود گفت: ورود من همزمان با طرح تحول و سلامت به نوعی وزین ترین و ماندگار ترین طرح بعد از انقلاب همراه بود.

وی افزود: امروز بعد از چهار سال دیگر نگران مناطق شرق و غرب استان گلستان نیستیم و باید کمک کنیم طرح های باقی مانده به اتمام برسد.ریاحی در رابطه با طرح تحول سلامت اظهار کرد: چهار سال گذشته بزرگترین دغدغه مردم در بحث درمان بود و گلستان جزو سه استان آخر در مقوله درمان در سطح کشور بود اما امروز ۵۰ درصد به ظرفیت تخت های استان گلستان اضافه شده است.وی تصریح کرد: ظرفیت تخت های گلستان یک هزار و ۶۰۰ تخت بود که حدود ۸۰۰ تخت به آن اضافه شد و طی چند روز گذشته ساخت ۵۰۰ تخت برای شهرهای گرگان، گنبد و کردکوی آغاز شده است.

توقیف واحد تولیدی مشکل بانکها را رفع نمی کند

رئیس کل دادگستری گلستان با انتقاد از بانک های این استان که حکم توقیف اموال یا واحدهای تولیدی را در قبال مطالبات معوقشان اخذ می کنند، گفت: این اقدام هیچ گره ای از کار بانک ها باز نمی کند. به گزارش ایرنا، هادی هاشمیان در نشست هم اندیشی و بررسی مشکلات واحدهای تولیدی و تجار گنبدکاووس با بیان اینکه بانک ها نمی توانند واحد تولیدی توقیف شده را اداره کنند، تصریح کرد: توقیف ملک واحدهای تولیدی توسط بانک ها تنها به رکود تولید و مشکلات بیکاری می افزاید.

وی با اشاره به تشکیل کمیته حمایت قضایی از سرمایه گذار در مرکز استان اضافه کرد: این کمیته وظیفه دارد امنیت قضایی را برای حمایت از سرمایه گذار تضمین کند زیرا امنیت نخستین شرط برای سرمایه گذاری است.

وی با اشاره به کسب رتبه نخست استان گلستان در پیشگیری از آسیب ها و وقوع جرم در کشور، خاطرنشان کرد: این شرایط فرصت خوبی برای سرمایه گذاری در این استان است.رئیس کل دادگستری گلستان یادآور شد: همه تلاش ها باید معطوف به حمایت از سرمایه گذار باشد و نباید با برخی سخت گیری ها مانع سرمایه گذاری شد.هادی هاشمیان با بیان اینکه تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی با شعار محقق نمی شود زیرا گوش تولید کننده و سرمایه گذار از حرف و شعار دراین خصوص پر است، تاکید کرد: باید در عمل از تولیدکننده و سرمایه گذار حمایت کرد.وی، از کاهش ۲۴ درصدی آمار ورودی به زندان های گلستان در همه جرایم نیز خبر داد و گفت: با این وجود میزان ورودی به زندان ها در مباحث مالی رشد ۱۷ درصدی داشته که دلیل آن اقتصاد ضعیف و بیکاری بالای دراین استان می باشد. گنبدکاووس دارای ۱۳۹ واحد تولیدی است که ۳۵ واحد آن راکد و بقیه فعال یا نیمه فعال می باشد.دادستان عمومی و انقلاب مرکز گلستان نیز در این نشست با یک طرفه دانستن قراردادهای بانک ها در پرداخت تسهیلات به افراد و سرمایه گذاران برلزوم بازنگری دراین قراردادها تاکید کرد.حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی حقی اظهار داشت: وزن قراردادهای بانکی فعلی به نفع بانک ها است و سرمایه گذار از روی ناچاری باید آن را امضا کند. وی گفت: برای بازنگری در قراردادهای بانکی به منظور پرداخت تسهیلات، پیگیری های لازم درسطح قوه قضائیه درحال انجام است.حجت الاسلام حقی با تاکید بر ضرورت حمایت از سرمایه گذار در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی مدنظر رهبری و دولت، اضافه کرد: همه باید از سرمایه گذار حمایت نمایند.وی تصریح کرد: دستگاه قضایی استان گلستان نیز دراین خصوص کمیته حمایت از سرمایه گذاری تشکیل داده است.دادستان عمومی و انقلاب گرگان یادآور شد: تحقق اقتصاد مقاومتی باید با تکیه بر داشته های موجود داخلی و حمایت از سرمایه گذاران داخلی محقق شود.رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان نیز از پرداخت حدود شش هزار میلیارد ریال تسهیلات به واحدهای تولیدی راکد، نیمه فعال و یا طرح های اقتصادی این استان خبر داد و گفت: گلستان از این حیث رتبه چهارم کشور را دارد.حسینقلی قوانلو در این نشست اظهار داشت: ازمیزان تسهیلات پرداخت شده، سه هزارو ۷۲۰ میلیارد ریال از محل منابع مالی دولتی و بقیه از منابع داخلی بانک ها بوده است.وی افزود: امسال دولت برای فعال کردن واحدهای راکد، نیمه فعال و طرح های تولیدی با بیش از ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی، بسته حمایتی در قالب تسهیلات بانکی پیش بینی کرد که در استان گلستان ۱۱۰۰ واحد تولیدی واجد شرایط دریافت این تسهیلات شناخته شدند.قوانلو با بیان اینکه این تعداد واحد تولیدی گلستان به ۱۱ هزار میلیارد ریال تسهیلات نیاز دارند که به مرور به آنان پرداخت می شود، یادآور شد: تاکنون ۲۹۷ واحد تولیدی راکد، نیمه فعال و یا طرح اقتصادی با پیشرفت بالای ۶۰ درصد، تسهیلات دریافت کرده اند.

وی گفت: از مجموع واحدهای تولیدی دریافت کننده تسهیلات در استان گلستان، ۳۱ واحد در گنبدکاووس بوده است که حدود ۳۵۰ میلیارد ریال دریافتی داشتند.

بحث مشاغل خانگی برای بانوان با جدیت دنبال می‌شود

به گزارش خبرنگار مهر، کلثوم غفاری عصر شنبه در چهارمین کارگروه تخصصی بانوان استان گلستان که در گرگان تشکیل شد، گفت: سه موضوع اشتغال، سلامت و آموزش مسائل مهمی است که در رابطه با بانوان استان در دست پیگیری است.وی از روند پیگیری کاشت گیاهان دارویی و حمایت از مشاغل خانگی در حوزه اشتغال خبر داد و افزود: نامه‌ای به فرمانداری‌ها فرستاده‌شده که اگر افرادی توانایی کشت این گیاهان را در فضای حیاط منزل خوددارند معرفی شوند و آمار نهایی به جهاد کشاورزی ارائه شود.مدیرکل امور بانوان استانداری گلستان گفت: طی بازدیدی که از مشاغل خانگی در شهرستان بندر ترکمن انجام شد بانوان این شهرستان تقاضا داشتند در نمایشگاه‌های شهرستان‌های دیگر شرکت کنند و دستگاه‌های مرتبط با این امر نسبت به تسهیل این کار از جمله صدور کارت تردد همکاری کنند.وی افزود: در رابطه با بحث نوغان‌داری با فرمانداری ۶ شهرستان و مسئولان جهاد کشاورزی صحبت‌های لازم در راستای اشتغال پایدار انجام شده‌است.غفاری در رابطه با برنامه‌های اجراشده در حوزه سلامت گفت: ، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مربوط به خانواده‌های دارای فرزند اوتیسم و ... فعالیت‌هایی بوده که انجام شده است.

خبر

گلستان در رده های میانی آسیب های اجتماعی کشور است

معاون امنیتی سیاسی استانداری گلستان گفت: گلستان در رده های میانی آسیب های اجتماعی کشور است.به گزارش خبرنگار مهر، علی‌اصغر طهماسبی ظهر شنبه در چهارمین کارگروه تخصصی بانوان استان گلستان که در گرگان تشکیل شد، گفت: کمیته بانوان یکی از مهم‌ترین کمیته‌های تشکیل‌شده در استان‌هاست چرا که بانوان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و بیش‌ترین آسیب‌های اجتماعی هم به این گروه مربوط است.وی افزود: استان گلستان در رنکینگ آسیب‌های اجتماعی رتبه‌های میانی کشور را به خود اختصاص داده است و از آنجایی که گلستان رنگین‌کمان اقوام کشور است باید تلاش کنیم در این آمارها نهایت کاهش را داشته باشیم.طهماسبی گفت: ما در ساماندهی نظام مشاوره‌ای کم کاری می‌کنیم و لازم است به نظام مشاوره‌ای به چشم یک سرمایه نگاه کنیم.وی بابیان اینکه آموزش یکی از اضلاع توانمندسازی در جامعه است، اظهار کرد: آموزش‌هایی که مربوط به زوجین جوان برای کاهش آسیب‌های اجتماعی پیش از ازدواج برگزار می‌شود نباید توسط مدیران این دستگاه‌ها دست کم گرفته شود بلکه باید باحوصله و دقت نظر انجام شود تا بازخورد کافی را در بر داشته باشد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۱۳ مورد تقاضای آقای عبدالعزیز نیک زاد دوجی فرزند عبداله به شماره ملی ۲۲۳۹۹۷۲۵۳۱ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۱۸۱,۱۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۱۱ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی بانو گرانمایه خواجه نفس واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۶۱ مورد تقاضای آقای منصور کر فرزند خوجه بردی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۵۶۵۶۰ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۲۲۴,۸۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۷۳ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای عبا چوگان واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳)کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۲۴۲ مورد تقاضای آقای مرت دوردی چوکان فرزند قوت به شماره ملی ۶۲۸۹۸۱۳۸۳۸ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۷۷۲,۵۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۱۱ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی خانم گرانمایه خواجه نفس واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۵۰ مورد تقاضای آقای احمد حسنقلی کر فرزند دوردی آقا به شماره ملی ۶۲۸۹۸۶۰۲۷۵ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۲۵۱,۲۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۰۴ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای ساقند قزاق واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۲۹ مورد تقاضای خانم بی بی سارا قانقرمه فرزند رجب به شماره ملی ۶۲۸۹۴۵۵۵۷۵ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۳۰۰,۱۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۸۲۰ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای عبدالرحمن کلته چیان واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۶)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۳۰ مورد تقاضای خانم حمیده رادنیا فرزند عوض بردی به شماره ملی ۴۴۶۹۶۵۳۰۲۸ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۱۷۳,۳۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۵۸۲۰ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای عبدالرحمن کلته چیان واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۷)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۹۰۵ مورد تقاضای آقای اراز قلیچ ایری فرزند عاشور به شماره ملی ۲۲۳۹۹۱۹۷۱۱ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۷۱۶,۶۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۳۹۳ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای کمک شیخی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۸)کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۱۶ مورد تقاضای خانم سپیده قریشی فرزند ابراهیم به شماره ملی ۲۲۳۹۸۰۷۴۱۵ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۱۷۳,۰۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۹)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۵۸۴ مورد تقاضای آقای اراز محمد نظرلی فرزند قربان بردی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۹۵۶۷۱ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۶۳۳,۸۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ اصلی به مالکیت رسمی آقای قربان بردی نظری واقع در اراضی انارمرز بخش ۲ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۰)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۶۶۱ مورد تقاضای آقای فریدون حاجی عرازی فرزند جان محمد به شماره ملی ۰۰۵۴۸۱۹۰۶۷ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۸۲۰,۱۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۰۳ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی خانم فاطمه ایری واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۱)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۵۹۸ مورد تقاضای آقای نظر محمد کلته فرزند رجب به شماره ملی ۲۲۳۹۷۳۳۱۸۷ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۱۵۰,۲۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ اصلی به مالکیت رسمی آقای حاج محمد ایری واقع در اراضی انار مرز بخش ۲ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۲)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۶۲۰ مورد تقاضای آقای تاش جان ایری فرزند قره جه به شماره ملی ۲۲۳۹۵۸۷۸۳۰ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۳۵۱,۶۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ اصلی به مالکیت رسمی بانو آنه بکه قزل واقع در اراضی انار مرز بخش ۲ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۳)کلاسه شماره ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۳۰ مورد تقاضای آقای جبار ایری فرزند آنه قربان به شماره ملی ۲۲۳۹۵۹۸۲۲۰ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۷۴۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ اصلی به مالکیت رسمی آقای آنه قربان ایری واقع در اراضی انار مرز بخش ۲ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۴)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۸۴ مورد تقاضای آقای امید ناظری فرزند ملا اراز به شماره ملی ۶۲۸۹۹۱۷۴۵۵ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۴۶۷,۹۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۵۱۰ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای آدینه منگلی صوفی یاری و رجب محمد قولجانی (هر کدام سه دانگ مشاع، از سهم آقای رجب محمد قولجانی) واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۵)کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۱ مورد تقاضای آقای حاجی گلدی دیبائی فرزند صفر قلیچ به شماره ملی ۶۲۸۹۱۵۶۱۴۴ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۲۷۲ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای نورق قره جه واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۶)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۳۴۴ مورد تقاضای آقای عبدالناصر رجبی فرزند آق اولی به شماره ملی ۶۲۸۹۷۱۵۰۶۲ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۵۰۵,۶۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۵۱۰ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای آدینه منگلی صوفی یاری و رجب محمد قولجانی (هر کدام سه دانگ مشاع، از سهمیه آقای رجب محمد قولجانی) واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۷)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۶۷۹ مورد تقاضای آقای محمد مراد نیازی پور فرزند نور مراد به شماره ملی ۶۲۸۹۲۲۸۹۴۳ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۱۱۹ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای انا خدری توماج واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۸)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۸۶۳ مورد تقاضای آقای عبدالحلیم کلته فرزند محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۷۱۸۷۳۸ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۱۰۱۳ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد کلته واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۱۹)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۶۵۰ مورد تقاضای آقای عبدالجلیل قره جه فرزندحاجی نظر به شماره ملی ۶۲۸۹۸۳۶۸۹۷ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۱۷۳۵ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای حاجی نظر قره جه واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۰)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۱۰ مورد تقاضای آقای عظیم توماج فرزند قوشه به شماره ملی ۶۲۸۹۵۵۸۲۴۲ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۳۷۷,۷۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۱۱ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای آی محمد جعفری چوگان واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۱)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۳۶۱ مورد تقاضای آقای محمد سعید برمال فرزند غفور به شماره ملی ۲۲۳۹۵۶۲۱۲۹ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۳۵۹,۴۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۱۳۹ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای نور محمد خداوردی واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۲)کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۲۳ مورد تقاضای آقای رحمن بردی کر فرزند رجب قلیچ به شماره ملی ۶۲۸۹۸۶۵۴۶۳ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۵۴ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای رجب قلیچ کر واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۳)کلاسه شماره ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۴۹ مورد تقاضای آقای سبحان اونق فرزند محمد قربان به شماره ملی ۶۲۸۹۸۵۳۳۷۶ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۴۵۶,۷۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۱۱ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای آی محمد جعفری چوگان واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۴)کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۲ مورد تقاضای آقای موسی کر فرزند نظر به شماره ملی ۶۲۸۹۴۱۷۳۷۱ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۵۴ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای قربان نظر دانش پور کر و موسی کر واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۵)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۵۲ مورد تقاضای آقای عراز محمد عراز پور فرزند تاغان به شماره ملی ۲۰۳۰۱۲۷۵۳۱ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۴۸۳,۵۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۱۱ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای آی محمد جعفری چوگان واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۶)کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۱۸ مورد تقاضای آقای خداقلی کر فرزند قوچی به شماره ملی ۶۲۸۹۸۰۶۲۶۲ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۲۸۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۲۲۷۷ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای خدر آقا خدانظری واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۷)کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۲۴ مورد تقاضای آقای عبدالناصر کر فرزند مشد قلی به شماره ملی ۲۲۳۹۷۸۴۷۸۴ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۳۳۳ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقایان الله قلی و گلدی محمد فلاح نژادواقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۸)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۵۷۸ مورد تقاضای آقای عراز دوردی توماج فرزند محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۴۳۲۲۵۷ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۰۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۱۲۲ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای انا آقا اونق واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲۹) کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۵۹۴ مورد تقاضای آقای رحمان بردی اونق فرزند نوری به شماره ملی ۶۲۸۹۴۲۷۹۸۹ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۳۷۷۶,۹۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۵۴ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای نوری اونق واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۰) کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۴۲ مورد تقاضای آقای منصور کر فرزند ساری به شماره ملی ۶۲۸۹۵۵۳۱۱۹ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۵۳۶,۱۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۲۲ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی گرگان کلته واقع در اراضی بناور بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۱) کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۴۶ مورد تقاضای آقای عبدالصالح وطن دوست فرزند کمک به شماره ملی ۶۲۸۹۳۴۶۹۷۰ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۶۴۵,۱۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۲۲ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی گرگان کلته واقع در اراضی بناور بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۲)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۸۴۴ مورد تقاضای آقای رجب محمد میرابی فرزند مرد دوردی به شماره ملی ۶۲۸۹۵۴۳۳۹۳ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۴۸۲,۱۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹ فرعی از ۵ اصلی به مالکیت رسمی صوفی تراج واقع در اراضی قارقی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۳)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۸۴۶ مورد تقاضای خانم شمس خانم کر فرزند اقا نظر به شماره ملی ۶۲۸۹۸۳۹۹۸۵ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۸۸۵,۷۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹ فرعی از ۵ اصلی به مالکیت رسمی صوفی تراج واقع در اراضی قارقی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۴)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۸۴۸ مورد تقاضای آقای حاجی امان میرابی فرزند مراد تقان به شماره ملی ۶۲۸۹۵۵۷۱۰۶ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۹۷۶,۴۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹ فرعی از ۵ اصلی به مالکیت رسمی صوفی تراج واقع در اراضی قارقی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۵)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۸۵۲ مورد تقاضای آقای عیدی محمد میرابی فرزند مراد تقان به شماره ملی ۲۲۳۹۵۲۷۹۱۹ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۴۱۸,۹۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹ فرعی از ۵ اصلی به مالکیت رسمی صوفی تراج واقع در اراضی قارقی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۶)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۸۵۳ مورد تقاضای آقای عیدی محمد میرابی فرزند مرادتقان به شماره ملی ۲۲۳۹۵۲۷۹۱۹ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۳۹۸,۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹ فرعی از ۵ اصلی به مالکیت رسمی صوفی تراج واقع در اراضی قارقی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن

۳۷)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۹۰۰ مورد تقاضای آقای عراز محمد میرابی فرزند مراد تقان به شماره ملی ۲۲۳۹۵۲۷۹۰۰ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۴۲۹,۴۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹ فرعی از ۵ اصلی به مالکیت رسمی صوفی تراج واقع در اراضی قارقی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۸)کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۰۷ مورد تقاضای خانم لطیفه توماج فرزند احمد به شماره ملی ۲۰۳۱۹۴۲۱۹۰ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۹۷۸,۶۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۹۳ فرعی و ۱۹۳ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی سوئین قره جه و پلاک ۳۱۳ فرعی به مالکیت تاج محمد پنق و آلتن پنق واقع در اراضی بناور بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳۹)کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۶۴ مورد تقاضای آقای احمد کرم فرزند عبدالرحمن به شماره ملی ۶۲۸۹۹۴۸۸۵۷ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۴۳۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۲۲ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی گرگان کلته واقع در اراضی بناور بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۰)کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۶۵ مورد تقاضای آقای عبدالمحمد میرابی فرزند مراد تقان به شماره ملی ۶۲۸۹۵۵۷۱۱۴ ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۱۸۷۶,۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹ فرعی از ۵ اصلی به مالکیت رسمی آقای صوفی تراج واقع در اراضی قارقی بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۱)کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۳۲۰ مورد تقاضای آقای نور نیاز آخوند نبوی زاده فرزند محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۷۱۳۲۱۳ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۶۱ فرعی از ۱۴ اصلی به مالکیت رسمی آقای ناز جاور واقع در اراضی قرنجیک خوجه خان بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۲)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۸۹ مورد تقاضای آقای خوجه گلدی ایری فرزند مسلم به شماره ملی ۲۲۳۹۷۷۳۹۷۹ ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۳۵۳۵۹,۰۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۲۳ فرعی از ۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای رحمانقلی ایری واقع در اراضی پنج پیکر بخش ۵ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۴۳)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۵۳۶ مورد تقاضای آقای مراد قلی کمی فرزند خدر به شماره ملی ۲۲۴۹۵۷۱۳۴۱ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۱۶۸,۱۱ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۲۲ فرعی از ۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای نورخواجه، میر خواجه، و آی چارق شهرت همگی چالاک (از سهمیه آقای میر خواجه چالاک) واقع در اراضی پنج پیکر بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۴)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۵۳۷ مورد تقاضای آقای مراد قلی کمی فرزند خدر به شماره ملی ۲۲۴۹۵۷۱۳۴۱ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۶۲۹۰,۳۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۲۲ فرعی از ۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای نور خواجه ، میر خواجه و آی چارق شهرت همگی چالاک (از سهمیه آقای میر خواجه چالاک) واقع در اراضی پنج پیکر بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۵)کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۷۷۹ مورد تقاضای آقای بردی بیرامی دیه جی فرزند اراز بردی به شماره ملی ۶۲۸۹۲۱۰۸۰۷ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۵۲۲,۹۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳ فرعی از ۳ اصلی به مالکیت رسمی سید آقا قربان نژاد واقع در اراضی بصیر آباد بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۶)کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۳۴ مورد تقاضای آقای سلیمان آنه قره جه فرزند یوسف به شماره ملی ۶۲۸۹۷۱۱۰۴۰ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۴۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۵ فرعی از ۳ اصلی به مالکیت رسمی حاج گلدی دیه جی واقع در اراضی بصیر آباد بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۷)کلاسه شماره ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۶ مورد تقاضای آقای خدر جبار نژاد فرزند قربان به شماره ملی ۶۲۸۹۳۰۲۴۳۴ نسبت به مقدار ۱۳۰۷۸,۶۴ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۵۱۸۷۴ متر مربع به پلاک ۳۶۲ فرعی از ۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای صاتلق مراد تاجمی واقع در اراضی بصیر آباد بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۸)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۲۳ مورد تقاضای آقای محمد تحصیلی فرزند تاش جان به شماره ملی ۶۲۸۹۳۳۵۸۹۸ نسبت به مقدار ۵۰۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۰۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۹۹ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی آقای تاش جان تحصیلی واقع در اراضی بناور بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴۹)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۳۷ مورد تقاضای آقای حمید اله تحصیلی فرزند تاش جان به شماره ملی ۶۲۸۹۳۲۹۸۳۹ نسبت به مقدار ۵۰۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۰۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۹۹ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی آقای تاش جان تحصیلی واقع در اراضی بناور بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۰)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۴ مورد تقاضای آقای دوردی محمد نوری زاده قره جه فرزند بیک محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۴۳۲۰۹۵ نسبت به مقدار ۳ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۴۱۸۰۴,۷۳ متر مربع به پلاک ۲۲۰ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای الله قلی چیگیتلی واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۱)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۹۳ مورد تقاضای خانم فاطمه خان دوردی فرزند آق محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۶۸۲۳۷۱ نسبت به مقدار ۱۴۱۲۸,۵۸ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۸۹۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۱۸ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای طویلی خاندردی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۲)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۹۴ مورد تقاضای خانم نعیمه خان دوردی فرزند آق محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۷۲۴۲۴۲ نسبت به مقدار ۱۴۱۲۸,۵۷ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۸۹۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۱۸ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای طویلی خان دردی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۳)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۹۵ مورد تقاضای خانم بی بی مریم خاندوردی فرزند آق محمد آقا به شماره ملی ۲۲۳۹۷۵۴۵۶۷ نسبت به مقدار ۱۴۱۲۸,۵۷ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۸۹۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۱۸ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای طویلی خاندردی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۴)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۹۷ مورد تقاضای خانم حلیمه خاندردی فرزند آق محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۷۱۷۵۸۰ نسبت به مقدار ۱۴۱۲۸,۵۷ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۸۹۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۱۸ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای طویلی خاندردی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۵)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۹۸ مورد تقاضای آقای محمد یوسف خاندردی فرزند آق محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۷۱۰۵۳۵ نسبت به مقدار ۱۴۱۲۸,۵۷ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۹۸۹۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۱۸ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی طویلی خاندردی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۶)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۲۰۱ مورد تقاضای خانم نعیمه خان دوردی فرزند آق محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۷۲۴۲۴۲ نسبت به مقدار ۲۰۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۴۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۲۷ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد خاندردی و طویلی خاندردی هر کدام به نسبت ۳ دانگ مشاع واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵۷)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۲۰۲ مورد تقاضای خانم حلیمه خان دوردی فرزند آق محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۷۱۷۵۸۰ نسبت به مقدار ۲۰۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۴۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۲۷ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد خان دردی و طویلی خاندردی هر کدام به نسبت ۳ دانگ مشاع واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۵۸)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۲۰۴ مورد تقاضای آقای محمد یوسف خان دردی فرزند آق محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۷۱۰۵۳۵ نسبت به مقدار ۲۰۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۴۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۲۷ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد خان دردی و طویلی خاندردی هر کدام به نسبت ۳ دانگ مشاع واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی‌بندرترکمن.

۵۹)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۲۰۶ مورد تقاضای خانم بی بی مریم خاندوردی فرزند آق محمد آقا به شماره ملی ۲۲۳۹۷۵۴۵۶۷ نسبت به مقدار ۲۰۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۴۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۲۷ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد خان دردی و طویلی خاندردی هر کدام به نسبت ۳ دانگ مشاع واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه‌ثبتی‌بندرترکمن.

۶۰)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۲۰۷ مورد تقاضای خانم فاطمه خان دوردی فرزند آقا محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۶۸۲۳۷۱ نسبت به مقدار ۲۰۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۴۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۳۲۷ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد خاندردی و طویلی خاندردی هر کدام به نسبت ۳ دانگ مشاع واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۶۱)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۹۴ مورد تقاضای آقای محمد صالح بهزادی فرزند احمد به شماره ملی ۲۱۲۱۳۷۱۰۴۴ نسبت به مقدار ۱۲۲۵,۵ متر مربع مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۴۷۹۰۰ متر مربع به پلاک ۲۲۵۴ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی (به استثنا پلاک ۲۷۰۵ فرعی به مساحت ۲۰۱۱۶ متر مربع) به مالکیت رسمی آقای عراز گلدی اونق و نفس گلدی اونق واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۶۲)کلاسه شماره ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۷۰ مورد تقاضای آقای عبدالرئوف خادمی کرد فرزند احمد به شماره ملی ۶۲۸۹۷۲۸۸۸۱ نسبت به مقدار ۲۸۶۸۷,۷۰ متر مربع مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۶۵۰۰۰ متر مربع به پلاک ۷۶۷ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای احمد خادمی کر واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۶۳)کلاسه شماره ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۱۴ مورد تقاضای آقای منصور اونق فرزند عبدالحکیم به شماره ملی ۲۲۳۹۷۸۶۷۴۴ نسبت به مقدار ۱۹۶۹۲ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۵۱۸۷۴ متر مربع به پلاک ۳۶۲ فرعی از ۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای صطلیق مراد تاجمی واقع در اراضی بصیر آباد بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۶۴)کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۱۲ مورد تقاضای آقای عبدالعظیم مبصر فرزند اراز گلدی به شماره ملی ۴۹۷۹۶۷۳۷۲۴ نسبت به مقدار ۱۲۲۵,۵ متر مربع مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۴۷۹۰۰ متر مربع به پلاک ۲۲۵۴ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی (به استثناء پلاک ۲۷۰۵ فرعی به مساحت ۲۰۱۱۶ متر مربع) به مالکیت رسمی آقای عراز گلدی اونق و نفس گلدی اونق واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

هیات حل اختلاف مستقر در ثبت اسناد و املاک بندرترکمن بشرح آرای صادره با تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل از پلاکهای مندرج را تائید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شد پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد علیهذا به استناد ماده ۳ قانون فوق مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار و محلی آگهی می شود و از اینرو در صورتیکه اشخاص ذینفع به اراء فوق اعتراض دارند می بایست از تاریخ انتشار نوبت اول به مدت دو ماه (۶۰ روز) اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تسلیم و رسید اخذ نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست در دادگاه عمومی بندرترکمن نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تحویل نماید در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد .

سیروس آریافر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ترکمن
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۵/۱۰/۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲
م.الف: ۷۳۹۰

داستان

پارک شهر

نوید هادوی

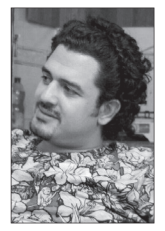

روی نیمکت پارک نشسته بودیم . حوصله ام سررفته بود . هی بهانه می گرفتم که پدرم ، آخرین نخش را در آورد ، روی لب گذاشت و پاکت سیگار را با یک خودکار داد به من.چون آن وقت ها نوشتن بلد نبودم . نقاشی می کردم و خط خطی . این عادت هر روزم شد.مدرسه را که شروع کردم و سواد یاد گرفتم ، هر روزپشت یک جعبه سیگار هرچه ازکله ام می گذشت، می نوشتم .ولی اولین باردر دوران دانشکده بود که آن نوشته ها ، شکل داستان شدند. مدتی بود که به هر مناسبتی مسابقات ادبی برگزار می کردند . به فکرم رسید که من هم در هر مسابقه پشت پاکت سیگار نویسی راه بیاندازم . اما چون کسی حاضر نشد داستان وشعریا مقاله اش را پشت جعبه سیگار بنویسد تصمیم گرفتم که من پشت جعبه سیگارهایم داستان وشعربنویسم . و از آن موقع می بود که سعی زیادی کردم تا نوشته هایم شبیه داستان بشود. که عاقبت شد. آن دوره پشت جلد سیگار نویسی هایم کاملاً متأثر از جو دانشکده بود .مثلاً داستانی که درباره استادهایم بود . با مضمونی کاملاً اعتراضی « کچل ها موندارند » . چون این مسئله که همه استادهای دانشکده ما کچلند . به قدری فکرم را به خود مشغول میکرد که سرکلاس به جای اینکه به درس گوش دهم کله انها چشمانم را خیره می کرد. مثل شبها که آدم می خواهد بخوابد ولی گوش روی تیک تاک ساعت دیواری زوم می کند .بعد از اینکه خودم سیگاری شدم . نوشته هایم خیلی متناسب شده بود با افکار و احساساتم درلحظه کشیدن آخرین نخ پاکت . این احساسات و افکار گاهی می شد که کاملاً متفاوت وبی ربط با موقعیت باشند . همانطوری که یک بار ، بعد از انتخابات توی راه روی دادسرا منتظر بودم تا اسمم را بخوانند. همانجا داستانی نوشتم که یک مسئله بیولوژیکی رامطرح می کرد . « مرده ها ، پرواز نمی کنند » یعنی در واقع مرده ها وقتی مردند . ناتوان تر از این حرفها می شوند . و ضریب هوشی آنها به گفته « بقراط» تاحد صفر تنزل میکند. نمی شنوند و نمی بینند . و نه حتی نفس می کشند چه برسد به پرواز . ولی اکثر اوقات نوشتن خود به خودی صورت می گرفت وخودم وقتی متوجه می شدم که آخرین سیگار ، روشن روی لبم بود . دستم غیر ارادی به سمت خودکار می رفت . ذهنم هم به طور ناخودآگاه خودم می نوشت . این موضوع را وقتی فهمیدم که : روی نیمکت پارک نشسته بودیم و حوصله ام سرفته بود. من و دوست دخترم همیشه روی نیمکت پارک می نشستیم و من حوصله ام سر میرفت . او حرف ، کم آورده بود . و داشت از دوست پسرهای پیشینش تعریف میکرد و اینکه چرا با آن ها رابطه اش را قطع کرده . همین که داشت تعریف می کرد آنها مدتی بعد از آشنایی چه طور و به چه شیوه های متفاوتی ، توقعات غیر اخلاقی و بی ادبیشان را بیان می کردند:نخ آخر روی لبم روشن می شود و دستم شروع به نوشتن می کند . وقتی به خودم می آیم که صورتم از سیلی می سوخت . و او از من ۲۰ متر دور تر است . او از همان لحظه مرا ترک کرد و تنهایم گذاشت . چندروز بعد متوجه شدم که دلیل این کارش برجستگی ناحیه ای از شلوارم نبوده بلکه نگاهش به مطالب پشت پاکت سیگار افتاده است .به هر حال من او را خیلی دوست داشتم . و نوشته های آن روزم را نظر واقعی خود نمی دانم . خاطر او را آنقدر شدید می خواستم که تا چند روز پشت جعبه سیگار نوشته هایم شده بود:المیرا ، المیرا ، المیرا ، المیرا و .... تا اینکه رفتم و همه حرف های دلم را برایش گفتم و از ته دل به او گفتم که علاقه من به او واقعی است ! و از نوع دیگر است ! ....البته حالا که با هم زن و شوهریم ، تقریباً هر شب ، همان کارهایی را تکرار کردیم که آن روز در نوشته هایم رخ داده بود .پشت پاکت سیگار نویسی در زندگی من تأثیرات به سزایی هم داشته که مجال پرداختن به همه آنها نیست . ولی یکی از مهمترینشان زمانی بود که نزدیک بود دچار تحولات بزرگ روحی مذهبی بشوم . چون توی خیابان بودم و نیاز شدیدی به سرویس بهداشتی داشتم . همه مغازه ها و پاساژ های خیابان را یکی یکی گشتم اما حتی یک سرویس بهداشتی هم نداشتند . و یا اگر داشتند خراب بود و کار نمی کرد. زیر فشار غیر قابل وصفی تمام امید خودم را از دست داده بودم و خودم را آماده اتفاقات ناخوشایندی می کردم که کورسوی امیدی تابیدن گرفت . وارد شدم جای بدنی نبود. کاشی های آبی داشت . همین که کارم را شروع کردم از سر و صداهای بیرون متوجه شدم آنجا ضمیمه یک مسجد است .من از خودم شرم زده بودم که تا حالا چقدر غافل به سر برده ام . و اینکه در چنین محیط خاصی با پای چپ وارد شدم یابا پای راست ، داشت نابودم می کرد . خلاصه آن روز غرق پشیمانی به درگاه حق گذشت . تا اینکه بالاخره سیگارهایم تمام شد . وقتی داستانی نوشتم که درعمق پیچیدگی های متن مخاطب می فهمید که « همیشه پشت مسجد، مستراح است » به طور معجزه آسایی آرامش درونی پیدا کردم . من در آن روز کاملاً احساس می کردم آدم مذهبی ایی شده ام فقط یکبار که سیگار را ترک کرده بودم و تحت تأثیر تألمات آخرزمان واقع شده بودم به همان شدت خودم را مذهبی حس می کردم. تا اینکه نوشتن داستانی که سر و ته آن یکنفر به نام مارکو به شکل دانای کل شرح می داد که اگر او در سیسیل و از یک پدر و مادر سیسیلی متولد شده بود . آلان او یک سیسیلی اصیل بود ، نگرانی هایم را کاهش دادم . در واقع خودم را به این دلخوش کرده بودم که اگر انسان بتواند گذشته اش را تغییر دهد پس می تواند آینده اش را هم تغییر دهد .خرین باری که سیگار را ترک کردم همچنان می نوشتم فقط روی پاکت سیگار. هر شب از بقالی پاکت خالی می خریدم سیاه می کردم تا بعد از انتخابات بازهم تصمیم گرفتم نوشته هایم را – پاکت سیگارهایم را – در مجله ها چاپ کنم . چون دیده بودکه تعداد آنها نسبت به قبل از انتخابات بسیارزیاد شده است . و احتمال اینکه افرادی با سلیقه ای مشابه سلیقه من مایل به چاپ نوشته هایم باشند . اما نکردند به هر دری زدم و هرجایی رفتم جواب نه شنیدم تا اینکه تصمیم گرفتم آن را هم ترک کنم . و تلاشی هم برای حفاظت از پاکت های قبلی ام نکردم . و با وجود اینکه سعی کردم نوشته هایم راتوی دفتر یا حتی weblog انجام دهم نمی شد . یعنی می شد ولی پشت جلد سیگاری نویسی امر ترک نمی شد . و از زمانی که به طور جدی اراده کردم به ترک کردن یک روز هم بدون نوشتن پشت پاکت سیگار نگذشت . گاهی نصف شب ها از خواب می پریدم انگار کسی بیدارم کرده باشد .همه شهررا می گشتم تا مغازه بازی پیدا کنم . وگرنه باید زباله های مردم را می گشتم و همین که چندخط می نوشتم چنان خوابم می گرفت که به خانه نرسیدنم معجزه بود. آن موقعه ها که در خواب آلودگی شدید می نوشتم از خصوصیت داستانشان کم می شد. و همان شکل کودکی را پیدا می کرد . یعنی ذهنم می نوشت و گاهی بعد از خواندنشان خوشم می آمد . مثلاً ((کلاغی که دم صبح قارقار می کند، معتادی است است که صابونش دیر شده)). اما دیشب بالاخره با خودم مبارزه کردم . رکورد ننوشتنم را به دو روز افزایش دادم .احساس متفاوتی است . از امروز عصر وقتی از کافی نت بیرون زدم بوی دود سیگار به مشامم خورد. ولی سیگار روشن دست کسی ندیدم و هرجایی که می روم و از هر جایی که رد می شوم بوی دود از من جلوتر است . مسیر همیشگی ام را تغییر دادم . بعد از چند ثانیه باز بوی دود را حس می کنم . هر چقدر هم تند می دوم تا ببینم که کسی جلوتر از من سیگارمی کشد. چیزی دستگیر نمی شود حتی سر چار راه که رسیدم یکی یکی از راه ها را تا نصفه ها رفتم و برگشتم .

● داستان‌نویس

بخشی از یادداشتی بر «متنهای زنجیره‌ای» مازیار نیستانی

اضطراب زبان در شعر

شوکا حسینی

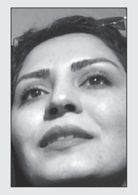

انسان معاصر بلند میشود، در فاصلهی ی بین زبان و روزمرگی در اشیاء به تناسخ میرسد، به جایی فروکاهیده شده در بطن محتوایی پاره پاره؛ اما این انسان معاصر است؛ پیچیده در جامه ی پرهیز و پرهیب. پیچیده در روانی متشنج با واژگانی دور تا پیرامون مفهومی چون اضطراب؛ شعری که محصول اضطراب زبان است. شعر در همان سطر اول، مخاطب باهوش و آگاه به مفهوم «معاصر» را فرامیخواند. مخاطب را با خود بلند میکند از روی جلد، و میبرد تا یاهو مسینجر؛ ویژگی زیستی انسان معاصر. نیستانی شاعر به دنبال زبان پرانرژی، به افشای موقعیتی از «خود» و «ما»ی کنونی اش میپردازد که احاطه اش و احاطه امان کرده اند. آنجا که شاعر واژگانش را از سطح ناخودآگاه نشانه ای به سمت خودآگاه کارکردی وارد میکند، شعر میتواند ارگانیزمی، شود با روانی در فرایند. شعر نیستانی از جمله شعرهای بناشدنی نگر است. یعنی آنرا میتوان در پروسه ی «شدنش» مورد واکاوی قرار داد. شعر از فاصله ی بین تکرار واجی به تکرار تلگرافی میرسد و بعد از آن به مرحله ی سوم یعنی تکرار جمله. برخوردی که ارگانیسم انسان در مراحل تکوینی زبان از دوران کودکی آن را با خویشتن، آورده و تا کهولت ادامه میدهد تا فرایند زبان آموزی اش به سرانجام نسبی خویش برسد، نوعی تکوین گشتالتی: ۱- تکرار واجی: واج «ت» در بند سوم: تو تنها میشوی/ تنهاترین زن در زندگی من/ تو تنها میشوی/ و از این تنهایی «تنهایی» ۲- تکرار تلگرافی: بعد بعد بعد/از فرط فرط / از فرط فرط/ از فرط فرط فرط فرط ۳- تکرار جمله: اعتراف میکنم به سه نقطه در شعر/اعتراف میکنم به سه نقطه در سطر سطر بدنت. و گاهی هر سهی این تکرارها را میبینیم: اما بی دست دست دست نمیشود. یکی از ظرفیتهای زبان فارسی، وجود کلمات متحدالشکل متفاوتالمعانی است که در حین جناس میتوان معنی تازه را از آن استنفاد کرد که مازیار با آگاهی به دانستن این پتانسیل به خوبی از آن بهره بردهاست: و از این تنهایی «تنهایی» این ویژگی برای شعر میتواند پتانسیلهای معنایی بسیاری را تولید کند که در ضمن حرکت ذهن به سمت گنجینهی مفاهیم دروندادی، با آشناییزدایی به تحریف در حافظه و انباشتهای آن میانجامد.انسان معاصر مازیار نیستانی انسانیست چند زیست: در یاهو مسینجر، در جنگل، در خیابان شریعتی، در رستوران و در جنگ و خط مقدم زندگی میکند: هم عاشق است، هم روسپی، هم شهید است هم مجروح هم کارگر است هم عاجنشین. چون دقیقن انسان معاصر است. انسان معاصر ایرانی که با پایی در سنت، دست به دامان مدرنیته برده و سرش به آسمان پر ستاره خیره مانده است. انسانی که در تبلور عشق و آزادی، بینصیب از هر دو با اضطراب به این فقدان به سر میبرد.راوی این شعر، چندشخصیتیست؛ محمد مختاری، زینب، مازیار نیستانی، آقای جعفری، ابوذر و هر خوانندهایی است که شعر را میخواند. راوی در تنگناهای این شخصیتها میلود بعد به زاوایای دورتری میرود بعد بیدلیل به شخصیت دیگری بدل میشود ولی در این میان تنها، تنهایی و اضطراب و فقدان آزادی است که وجه مشترک همهی این شخصیتهاست. زبان شعر هم به این سو میل دارد: تکه تکه و بدون تمرکز روی تصویری واحد.نوعی زبان که دارای مختصههای زبان اسکیزوفرن است را در شعرهای معاصر در حال ترویج میبینیم و ایضا هر نوع پریشانگویی و بیربط گویی را با بردن در زیر این نوع زبان، مورد عنایت سرایندهاش. همچنین شعرها و نوشتههایی که این ویژگی را دارند را در نهایت زیر عنوان گل و گشاد «شعر زبان» طبقهبندی میکنند، اما با این حساب، کودکان ٤ الی ٥ سال یا بیماران طبقهبندی شده در طیف اسکیزوفرن، شاعرترین شعر زبان نیستند؟ سطر سطر حرفهایشان پر است از روانپریشی و چیدن تصاویر، بدون در نظرگرفتن وضعیت علی و معلولی. بهزعم من استفاده از این تکنکیک در کار نیستانی، جا افتاده و با محتوا همخوانی دارد. محتوایی که در حال توصیف بخشهایی از زیست انسان معاصر ایرانی است.در شعر نیستانی میبینیم که هر بند، مجزا از بندهای دیگر است و تنها، گاهی شاعر یادش میآید به نکتهی مهمی و آنرا در ضمن گفتن مسائلی بیربط، (فقط) تکرار میکند، اما خواننده به راحتی میتواند بفهمد چرا نیستانی از این فرم برای گفتن شعرش استفاده کردهاست: چون قرار است در مورد انسان معاصر حرف بزند؛ انسان شقه شقه شده. انسانی که به راحتی چند تکه شده و آن انسجام «من» خودش را از دست دادهاست و تبدیل به روانی متکثر شدهاست؛ به سوژهایی در فرایند؛ به موجود سخنگفت... موجودی که محصول محیط و موقعیتهاست، موجودی که هر چیزی آستانهاهیاشرز را مورد تهاجم و تغییر قرار میدهد. موجودی نتیجهی «اضطراب زبان». ساختمان زبانی و تصویری شعر مطابق با مضمون خودش است: فرم و محتوا با هم برابرنهاد هستند. انسان معاصر مدرن با سرگیجگیهایی که دارد، با احاطه شدن در تکنولوژی و عناصر مدرن، اما بدون آزادی. ساختارهای اجتماعی باتمام نهادهایش و ماشینیسم با تمام پیروزیها و شگفتیهایش، آزادی انسان را نشانه گرفتند و او را تبدیل به موجود چندپاره کردهاند. نیستانی برای بیان این محتوای چند پاره، با زبان اسکیزوفرنی باهوش و بینشمند نسبت به موقعیت و وضعیت خویش، پرتابهای تصاویر را در دست میگیرد و با همین زبان که از ویژگیهایش: تکرار، پرتابهای معنایی، تکه تکه گویی، بازگشت به یک مضمون چه در سطح معنایی و چه در سطح واژگانی، وضعیت انسان معاصر را با تمام مسایل سیاسی، اجتماعی و نمادهای درون وطنی که با آن مواجه بوده، بیان میکند. انسانی را که در همهی موقعیتها و ژستهایش علیرغم تفاوت فاحششان با هم، یک اشتراک صمیمی بینشان وجود دارد، که همان یک اشتراک میتواند اساس زیست گروهیاشان را تامین کند: فقدان آزادی.در همان پاراگراف اول، از اصطلاحی به نام « اضطراب زبان» استفاده شد. این ترم برگرفته از «اضطراب» در روانشناسی و « زبان» در وضعیت زبانشناسی در حوزهی زبان و تفکر است و مقدماتی از چیزهای آشناتر بیان شد تا به این خوانش برسیم. اضطراب زبان چیست؟از اضطراب در حوزهی روانشناسی، بهعنوان یکی از دینامیکهای روان انسان برای سوقدهی شخص به سمت هدف نام میبرند؛ یعنی افراد باید یک حدی از اضطراب را داشته باشند تا کارایی خوبی داشته باشند و زندگیشان روی روال منظم باشد اما اگر این میزان بیشتر از یک حدی شود کارایی فرد را مختل میکند و بازدهی او را پایین میآورد. افرادی که هیچگونه اضطرابی ندارند، اصولا منفعلاند. ولی افرادی در زندگی خود فعال هستند و احساس مسئولیت و وظیفهشناسی میکنند که مقداری اضطراب دارند و در واقع همین اضطراب مثبت افراد را به فعالیت و کار وادار میکند. اما رابطهی اضطراب و زبان:زبان وقتی دچار اضطراب میشود به سوی زوایایی از خودش میرود که در وضعیت هنجار، به آنها توجهی نمیکند و یا بسامد برخوردش با آن زوایا آنقدر کم بوده که جزء خصیصههای برجستهشدهاش قرار نمیگیرد. همانطور که شخصی که اضطراب دارد به پویایی بیشتر میرسد، نوعی کمالگرایی را در خود بیدار میکند و در نهایت به خلاقیتش ختم میشود، وجود اضطراب برای زبان هم ضرورت بوجود می آورد: ضرورتی در حوزهی خلاقیت و معناسازی. ببینید زبان با داشتن اضطراب دیگر نمیتواند مطابق نرم و هنجار خویش رفتار کند بلکه به سمت ایدههای نو از خودش میرود تا اضطراب خودش را کاهش دهد یعنی میل و برآوردن میل هر دو در حال تخریب و رشد میشوند که در نهایت به تولید وضعیت سوم میرسند.در «متنهای زنجیرهای» این فقط استفاده از تکرارها و واجآرایی نیست که نمودی از اضطراب را در آن میبینیم بلکه رهایی بندها موجب میشود، خواننده به بند بعدی پرتاب شود و تصاویر را ارجاع دهد به مخزن حافظه ولی چیزی عایدش نمیشود، جلوتر میآید شاید رمزها گشوده شود و این زبان مضطرب مانند کودکی که مادرش را کشان کشان بر سر مکان حادثه میآورد، میبرد. خواننده مادری میشود سراسیمه چون در اثر انتقال، اضطراب را از کودک گرفته و درونی کردهاست. در شعر شاعران مدرنی همچون براهنی، شمس آقاجانی، علی قنبری، سعدی گلبیانی و علی باباچاهی نمونه های بسیار خوبی از اضطراب زبان را در سطوح متفاوتتری میبینیم. نیستانی راهی نداشته است جزء اینکه از خصیصه اضطراب زبان استفاده کند چون همانطور که گفته شد: انسان معاصر است که بلند میشود. متنهای زنجیرهای نمونهای از اضطراب زبان بود که در موردش گفته شد.

نویسنده وزبان شناس

بخش اول

موسیقی پست مدرن

● سهند آدم عارف

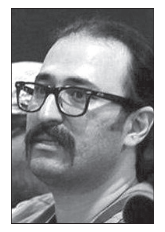

اگر این تعریف زیبایی‌شناختی (و نه روش‌شناختی) گوته را بپذیریم که «معماری، موسیقی منجمد است» بالاجبار باید بپذیریم که موسیقی کمتر از دیگر حوزه‌های عالم فرهنگ، برای قرار گرفتن در وضعیت پست‌مدرن، تحت تاثیر معماری به مثابه خواستگاه پساساخت‌گرایی و به تبع آن پست‌مدرنیسم قرار گرفته است چرا که بنا بر این قول، هر گونه تحول در معماری نیز خود به‌شدت تحت نفوذ رویدادها و یافته‌های عالم موسیقی قرار گرفته است؛ پس این امکان به وجود می‌آید که روند قرار گرفتن موسیقی در وضعیت پست‌مدرن را مستقل از سایر حوزه‌های فرهنگ اعم از معماری، فلسفه، ادبیات، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی و سینما بررسی کرد؛ اما فراهم آمدن این امکان دلالت بر این امر ندارد که پژوهش و پرسش از چیستی موسیقی پست‌مدرن بی‌نیاز از وام گرفتن زمینه‌ها، ایده‌ها و مفاهیم نظری پست‌مدرنیسم در سایر رشته‌ها و رسته‌های نام‌برده باشد. در حقیقت مقاله حاضر پژوهش و رهیافتی بینارشته‌ای است که در نهایت قرار است مخاطب خود را به تصویری کلی از ترکیب مفهومی «موسیقی پست‌مدرن» رهنمون کند و در این مسیر با اشاره‌هایی اجمالی به برخی مصادیق «موسیقی در وضعیت پست‌مدرن» در جهت تعین بخشیدن و ایجاد وضوح بیشتر در این مفاهیم گام بردارد. بدیهی است قصد نداریم با طرح مفاهیم جدید، ابهامات تازه‌ای به مفاهیم مبهم مربوط به آنچه که تا به حال به عنوان هنر پست‌مدرنیستی مطرح بوده است بیافزاییم و مفهوم «موسیقی پست‌مدرن» را پرواراتر از آنچه تا به حال بوده است کنیم که این خود فارغ از ضرورت داشتن یا نداشتنش، مجالی مفصل تر می طلبد و مقالی مخصوص‌تر، اما همین ابتدا لازم بود تمایزی مفهومی و روش‌شناختی میان «موسیقی در وضعیت پست مدرن» و «موسیقی پست مدرن» قائل شویم و در تمایز میان این دو مفهوم و تعاریفشان به تفاهم برسیم. در ادامه هرجا سخن از موسیقی پست‌مدرن به میان می‌آید منظور نحله‌هایی از موسیقی است که برآمده از موسیقی کلاسیک و مدرن بوده‌اند و در تغییر رهیافت‌هایشان نسبت به نوع موسیقی‌ای که ارائه کرده‌اند رگه‌های پررنگ التفات و خودآگاهی دیده می‌شود و هر زمان سخن از «موسیقی در وضعیت پست‌مدرن» می‌گوییم، جریان عامی از موسیقی مدنظرمان است که به تحت وضعیت جهان پست‌مدرن، به عرصه وجود گذاشته‌اند و واکنش‌هایی محسوب می‌شوند به جهان در وضعیت پست‌مدرن همچون بیتلز و دیگران. و اساسا آنچه وضعیت موسیقی را در میان هنرهای دیگر متمایز می‌کند و شرایط یک رهیافت کلی را بغرنج‌تر می‌کند، همین وسعت مصادیقی است که در گستره مفهوم «موسیقی پست‌مدرن» و «موسیقی در وضعیت پست‌مدرن» جای می‌گیرند و از همین منظر است که پژوهش درباره موسیقی پست‌مدرن دشوارتر از سایر حوزه‌های فرهنگ به نظر می‌رسد. به این معنا که اگر بخواهیم ردپای پست‌مدرنیسم را جریان‌های موسیقی قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی پی بگیریم و آنها را واکاوی کنیم، همچون دیگر رشته‌ها تنها با یک مسیر واحد و چند سبک خاص به‌وجود آمده از نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی به بعد روبرو نیستیم بلکه با تعداد کثیری از رویکردها، سبک‌ها، گونه‌ها و زیرگونه‌ها مواجهیم که هرکدام به فراخور موقعیت زمانی، مکانی و زمینه‌های نظری و کارکردی‌شان، می‌توانند ذیل مفهوم موسیقی پست‌مدرن یا موسیقی در وضعیت پست‌مدرن طبقه‌بندی شده و مورد ارزیابی قرار بگیرند.

آغوش باز پست‌مدرنیسم برای تنوع‌ها

از آنجا که پست‌مدرنیسم هرگز تن به تعریف ذاتی نداده است، هر پژوهش روشمندی در این باره مهمل و بیهوده به نظر می‌رسد اما می‌شود مولفه‌هایی را در این مسیر جستجو کرد که «موسیقی پست‌مدرن» را به ما بشناساند تا بتوانیم نمونه‌هایی از این موسیقی را در میان انبوه تولیدات موسیقایی بازشناسی و معرفی کنیم. «فراگیر شدن بینامتنیت با گسترش پست مدرنیسم به سرانجام می رسد، تا آن جا که در پست مدرنیسم موسیقایی کوشش می‌شود تا ارجاع‌ها و نقل قول‌ها، بی هیچ تعریف یا دخل و تصرفی، همان باشند که هستند، به همین دلیل موسیقی پست‌مدرن، هر نوع تنوعی را به آسانی می‌پذیرد. درست است که پست مدرنیسم با آغوش باز قالب‌ها و رویکردهای فرهنگ عامه را می‌پذیرد و حساسیتی نظریه‌شناختی را در معرض نمایش می گذارد، اما کنایه آمیز هم هست. نتیجتاً، سطحی از بومی‌سازی فرهنگی را در کنار طیفی از فنون زیبایی‌شناختی که قبلاً هم با مدرنیسم همراهی داشته‌اند به کار می گیرد. از حوالی ۱۹۷۰، زمانی که «ریهم» و «تراهان» موسیقی خود را تحت تأثیر نحوه نگرش هابرماس شکل می‌دادند که بر آن اساس پست مدرنیسم، یک جنبش سنتی آمیخته با تعصب بود، هر جا که موسیقی با واژه پست‌مدرن آمیخته می‌شد، باری منفی به همراه داشت. اما این درهم آمیزی این واژه با موسیقی، بعدها در آلمان دارای پیچیدگی مفهومی مضاعفی شد. در همین دوره شلسی تحت تاثیر نگرش‌های فلسفی این جریان قرار می‌گیرد، دلاموته هابر به چند دلیل برای این پیچیدگی اشاره می‌کند. بر نظریه چارلز چنکز تاکید می‌کند مبنی بر این که مفهوم همچون جاذبه متأثر است و نشان‌دهنده این است که پست مدرنیسم به خصوصیات مشخص و برجسته هر کشوری، شکل می‌بخشد. دوم اینکه پست‌مدرنیسم بسیار زود مفهوم زیبایی‌شناختی خود را از دست می‌ دهد، بنابراین موجی که از فلسفه و نظریه ادبی فرانسوی راه می‌افتد، در مجرای موزون و دقیق و تعیین شده موسیقی نمی‌گنجد. به مورد دیگری نیز اشاره می‌کند که پست مدرنیسم، یک کلمه مرکب است و معنای آن به برداشت ما از واژه مدرنیسم بستگی دارد. برای همین این سئوال مطرح می‌شود که موسیقی پست‌مدرن چگونه آفریده می شود و چه چیز به این ژانر موسیقایی تشخص بخشیده است؟ آن جا که «کاگل» با اقتباس از کمدی الهی، حروف‌بازی را می آفریند؛ یا آن جا که نونو در پی سئوال ادبیات چیست؟ سارتر، به ماده جدیدی دست می‌یابد و یا آن زمان که «بریو» تحت تأثیر جویس قرار می گیرد؟و یا هنگامی که پسامدرنیسم به عنوان برچسبی برای یک دوره جدید مورد استفاده قرار گرفت و ارتباط آن با اصل موضوع، به واسطه این حقیقت که استمرار در همه جا قابل رؤیت است، مورد تهدید واقع می‌شود؟ هنگامی که پیچیدگی و ابهام معنایی پست‌مدرنیسم در نیمه دوم ۱۹۸۰ افزایش یافت، باعث شد نظریات بیشتری به سمت پست مدرنیسم در موسیقی جلب شود. در همین برهه بود که «ولش»، پلورالیسم (تکثرگرایی) بنیادی را به‌عنوان مفهوم کلیدی پست‌مدرنیسم معرفی کرد. ولش معتقد بود آثار موسوم به پسامدرن، در جایی که پلورالیسم بنیادی زبان‌ها، مدل‌ها و سبک ها، نه تنها در کارهای متفاوت، بلکه در یک کار واحد هم وجود دارند، به چشم می‌خورند.»

دبوسی و امپرسیونیسم

از آنجا که «انقلاب امپرسیونیستی کلود دبوسی در امتناع از تبعیت کامل از فرم‌های موسیقی کلاسیک این امکان را به وجود آورد تا هنرمند در آستانه عصر جدید، بتواند نگاه دیگرگونه و متفاوت خویش را نسبت به جهان در قالبی جدید و در فرمی متفاوت بیان کند و دبوسی خود در این باره چنین نوشته است که پیوسته بیش‌تر متقاعد می‌شوم که موسیقی در اساس چیزی نیست که بتواند به قالب فرمی سنتی و تثبیت شده در آید. موسیقی از رنگ‌ها و ریتم‌ها تشکیل شده است؛» باید بخشی از موسیقی در وضعیت پست‌مدرن را در خاستگاه‌های مدرن آن به خصوص در موسیقی امپرسیونیستی جستجو کرد اما بهتر است به جای بازگشت به امپرسیونیسم، به ردپای جریان‌هایی نزدیک‌تر و بارزتر بپردازیم تا مسیرمان طولانی‌تر از این نشود بنا بر این به همین اشاره کوتاه به دبوسی بسنده می‌کنیم.»

مسیان؛ جویس و نطفه‌ای که باز هم در فرانسه بسته می‌شود

اولیویه مسیان، آهنگساز فرانسوی متولد ۱۹۰۸ میلادی، نقطه عطفی در تاریخ موسیقی به شمار می‌آید. او راه را برای پست‌مدرنیست‌های آتی می‌گشاید. او در سیر آزاد خود با تقلید از آواز پرندگان به تصنیف آثاری اقدام می‌کند. قطعه «بیداری پرندگان» (۱۹۵۳ میلادی) برای پیانو و ارکستر، «پرندگان بومی» (۱۹۵۹ میلادی) برای پیانو و ارکستر مجلسی و «کاتولوگ پرندگان» (۱۹۵۸) از این سری هستند. این برای نخستین بار است که بینامتنیت به موسیقی راه می‌یابد و موسیقی مستقیما به ادبیات ارجاع می‌دهد و با آن گفت‌وگو می‌کند به این دلیل ساده که بسیاری آغاز مسیر قطعات مربوط به پرندگان یعنی بیداری پرندگان را در ارتباط با پایان مسیر کتاب دشوار و بغرنج «بیداری فینگان‌ها» اثر سترگ جیمز جویس، نویسنده ایرلندی می‌دانند حال آنکه خود مسیان هرگونه ارتباطی با این اثر را به کلی نفی می‌کند. شاید این نطفه «موسیقی پست‌مدرن» باشد که در حال شکل گرفتن در فرانسه است.

منتقد ادبی و روزنامه نگار

شعر

شعری از میثم هرندی

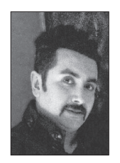

نگاه‌میکنی و هیچ میشوم
رقم می یابم،نمو پشت نمو
رشدمیکنم.
سینمارکس ابادان میشوم
میسوزم
خیلی ها در من میسوزند،
گو میزنم به گو زن ها،
تمام مسکو را گرم میکنم...
برمیگردم
پشت هیچم
مردی‌نشسته
با ریشهای بلند و سفید به بلندی همت هفت
روزه خدا.
نگاه‌میکنی، هیچ بودم
دنبال مطلعی میگردم برای شدن از هیچ انورتر،
اخر تو نگاه میکنی...
سیگارمیشوم
میسوزم
در رکس ابادان
دیده‌نمیشوم
دلخور ،خودم را پرت میکنم
از لبهای نوجوان چهارده ساله به زیر گامهای
مرگ...
هیچ پشت هیچ
انگار به کمال رسیده بودم
با کوله، با مارکز با همسر روزنامه نگارش
از تپه های تبت پایین می امدیم
به سانتیاگو رسیده‌بودیم
حالا دیگر چند رستگار بیش نبودیم،چند راس
گاو بیش نبودیم،
هفت دقیقه...
من به تقدس هیچ چیز معتقد نیستم جز هیچ،
پشت‌هیچستان‌خالیست
نگاه‌میکنی....

کلاسیک خوانی

بازخوانی مرصاد العباد از نجم الدین رازی

مرصاد العباد کتابی به زبان فارسی در تصوف و سلوک از نجم الدین رازی . تحریر کتاب در اوایل قرن هفت بوده است .

مرصاد العباد در پنج باب و چهل فصل بنا شده در باب دوم فصل چهارم و پنجم آن داستان لطیف و دلاویزی از آفرینش آدم پرداخته شده که از دلاویزترین نثرهای شاعرانه در زبان فارسی به شمار می آید .

نمونه ای از متن کتاب در بابِ آفرینش انسان و مکالمه ی پروردگار و فرشتگان :

شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، از ازل تا ابد چه کارها در پیش است؟

عشقی است که از ازل مرا در سر بود
کاری است که تا ابد مرا در پیش است

معذورید، که شما را سر و کار با عشق نبوده است. شما خشک زاهدان صومعه‌نشینِ حظایرِ قدس‌اید، از گرمروانِ خَراباتِ عشق چه خبر دارید ؟روزکی چند صبر کنید، تا من برین یک مشت خاک، دستکاری قدرت بنمایم، و زنگار ظلمتِ خلقیّت، از چهرهٔ آینهٔ فطرتِ او بزدایم، تا شما درین آینه، نقشهای بوقلمون بینید. اول نقش، آن باشد که همه را سجدهٔ او باید کرد.

پس، از ابر کرم، باران محبّت، بر خاکِ آدم بارید و خاک را گِل کرد، و به یدِ قدرت در گِل از گِل دل کرد. در بعضی روایت آن است که چهل هزار سال، در میان مکّه و طایف با آب و گِل آدم از کمالِ حکمت، دستکاری قدرت می‌رفت، و بر بیرون و اندرون او، مناسبِ صفات خداوندی، آینه‌ها بر کار می‌نشاند، کَه هر یکَ مظهرِ صفتی بود از صفات خداوندی، تا آنچ معروف است، هزار و یک آینه، مناسبِ هزار و یک صفت، بر کار نهاد.

صاحبِ جمال را اگر چه زرّینه و سیمینه، بسیار باشد، اما به نزدیکِ او هیچّیز، آن اعتبار ندارد که آینه؛ تا اگر در زرّینه و سیمینه، خللی ظاهر شود، هرگز صاحب جمال به خود عمارت آن نکند. ولکن اگر اندک غباری، بر چهرهٔ آینه پدید آید، در حال به آستینِ کَرَم به آزرم تمام، آن غبار از روی آینه بر می‌دارد و اگر هزار خروار، زرّینه دارد، در خانه نهد یا در دست و گوش کند، اما روی از همه بگرداند و و در هر آینه که در نهادِ آدم بر کار می‌نهادند، در آن آینهٔ جمال نُمای، دیدهٔ جمال بین می‌نهادند، تا چون او در آینه به هزار و یک دریچه خود را ببیند، آدم به هزار و یک دیده او را بیند.

در من نگری، همه تنم دل گردد
در تو نگرم، همه دلم دیده شود

اینجا، عشقِ معکوس گردد، اگر معشوق خواهد که از و بگریزد، او به هزار دست در دامنش آویزد. آن چه بود که اول می‌گریختی و این چیست که امروز در می‌آویزی؟

– آری، آنگه ازین می‌گریختم، تا امروز در نبایدآویخت.

توسنی کردم، ندانستم همی
کز کشیدن، سخت‌تر گردد کمند

آن روز گِل بودم، می‌گریختم، امروز همه دل شدم در می‌آویزم. اگر آن روز به یک گِل دوست داشتم، امروز به غرامتِ آن به هزار دل دوست می‌دارم.

همچنین، چهل هزار سال، قالبِ آدم میان مکّه و طایف افتاده بود. و هر لحظهٔ از خزاینِ مکنونِ غیب، گوهری دیگر لطیف و جوهریِ دیگر شریف، در نهادِ او تعبیه می‌کردند، تا هرچ از نفایسِ خزاینِ غیب بود، جمله در آب و گِلِ آدم، دفین کردند.